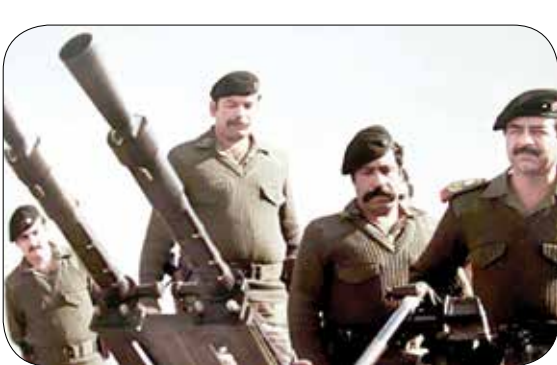


۸ سال جنگ تحمیلی به روایت تصویر



این روزها ماه شعبان المعظم است و یکی از ایام مقدس آن، میلاد امام حسین(ع) وبرزگداشت تولد او بود که گذشت. همچنین این روز را به نام روز پاسدار گرامی می‌داریم.

از این بابت که پاسداران گرامی انقلاب اسلامی وپاسداران مسیح راهی که می‌روند راه امام حسین(ع) وپاسداری از انقلاب ونظام به واسطه جان شیرین وخون خویش بلکه به واسطه دادن مال وخانواده وفرزندان در این راه مقدس است. پاسداران عزیز وسیحیان گرامی در چنین روزی با بستن پیمان مجدد با امام حسین(ع) وراه او به یاد خویش می‌آورند که رسالت عظیم آنان چیست واز چه طریق وراهی باید این راه را ادامه دهند. یعنی که این لباس واین راه یک شغل نیست که مانند مشاغل دیگر فقط در اندیشه درآوردن قوت ونانی باشند بلکه یک رسالت عظیم است. با این توصیف این پرسش در میان است که آیا ما از این عشق و ایمان پتانسیل گسترده و وسیع آن ، بهره لازم را برای سسامان بخشی به امور خویش برده ایم. زیرا وجود معجزه گونه عشق به امام حسین(ع) در میان همه اقوام وادیان ایرانی مانند معدنی سرشار از خیر وبرکت ورحمت ونعمت است که ما هنوز از مواهب بی حد و حصر آن به جز اندکی بهره نبرده‌ایم. یکی از این نعمت‌هایی که کمتر به آن توجه شده، نقش بی‌بدیل این عشق در ایجاد وحدت ملی و ناسیونالیسم ایرانی است که عدم توجه به آن، مشکلات فراوانی برای کشور فراهم کرده است. ملیت و ناسیونالیسم ایرانی در بستر زبان فارسی (به عنوان زبان بین الاقوامی) و حماسه‌های شاهنامه فردوسی و تاریخ پر فراز ونشیب ایران اما می‌تواند از یک پتانسیل زنده ودائم دیگری به نام عشق به امام حسین(ع) استفاده کند که شایستگی محور بودن برای وحدت ملی وناسیونالیسم ایرانی دارد. خواننده محترم شاید شنیده یا دیده باشد واگر نشنیده است می‌تواند با اندکی جستجو در اینترنت به عشق وافر ورزور افزونی که همه اقوام وادیان ایرانی از شیعه وسنی و زرتشتی و مسیحی و صابئی و کلیبی نسبت به امام حسین(ع) دارند پی خواهد برد. شخص بی آنکه دست از اعتقاد ومذهب خویش بکشد سرسختانه به امام حسین(ع) عشق می‌ورزد. هر انسانی با اندکی تفکر به وضوح به این باور می‌رسد که این عشق فرامذهبی وفرادینی، عشقی معجزه گونه است. عشق به امام حسین(ع) در خارج کشور میان هندوها و سرخپوست‌ها نیز شنیده شده و خلاصه اینکه عذارای واندوه وعشق نسبت به این امام همام عادی ومعمولی نیست. به واقع می‌توان این جمله طلایی که ما «ملت امام حسینیم» را سر لوحه عمده برنامه‌ها وتلاش‌های خویش قرار دهیم. این ویژگی عظیم وبرزگ مع الاسف آنچنان که باید وشاید مورد توجه کارگزاران وسیاستمداران کشور نیست. می‌تواند با اندکی جستجو در اینترنت به عشق وافر ورزور افزونی که همه اقوام وادیان ایرانی از شیعه وسنی و زرتشتی و مسیحی و صابئی و کلیبی نسبت به امام حسین(ع) دارند پی خواهد برد. شخص بی آنکه دست از اعتقاد ومذهب خویش بکشد سرسختانه به امام حسین(ع) عشق می‌ورزد. هر انسانی با اندکی تفکر به وضوح به این باور می‌رسد که این عشق فرامذهبی وفرادینی، عشقی معجزه گونه است. عشق به امام حسین(ع) در خارج کشور میان هندوها و سرخپوست‌ها و گروه‌ها وملت‌های دیگر نیز شنیده شده و خلاصه اینکه عذارای واندوه وعشق نسبت به این امام همام عادی ومعمولی نیست. این ویژگی عظیم وبرزگ کشور میان هندوها و سرخپوست‌ها و گروه‌ها وملت‌های دیگر نیز شنیده شده و خلاصه اینکه عذارای واندوه وعشق نسبت به این امام همام عادی ومعمولی نیست. این ویژگی عظیم وبرزگ مع الاسف آنچنان که باید وشاید مورد توجه کارگزاران وسیاستمداران کشور نیست. می‌تواند بهترین منبع برای بسیاری از اقدامات ما در دولت مدرن باشد.

اهمیت وحدت ملی

و ناسیونالیسم ایرانی

اهمیت توجه به این عشق به ضرورت دولت مدرن(Nation.State) و ملی‌گرایی (Nationalism) که از ارکان دولت مدرن است، باز می‌گردد. پس از معاهده وستفالی که مرزهای هر سرزمین وکشورا تعیین نمود وپس از آن به جای پادشاه، مردم مالک سرزمین شدند، این تغییر مالکیت باعث تغییرات مهمی شد که امروز به نام دولت مدرن از آن یاد می‌کنیم. وقتی مردم مالک سرزمین یا کشور باشند بدین معناست که حاکم و حکومتگران باید از طرف مردم انتخاب شوند. از سوی دیگر مردم اکثر کشورهای دنیا (مانند ایران) از قومیت‌ها ومذاهب وادیان گوناگون تشکیل می‌شوند. به واقع بیش از ۹۰ در صد از کشورهای، ملت‌هایی هستند که از قومیت‌ها وادیان ومذاهب گوناگون تشکیل می‌شوند. با این توصیف لازم است که میان مردم کشور با توجه به اختلافات موجود وحدت وانسجام وجود داشته باشد ومیان آنان بر سر محورهای یک ناسیونالیسم ملی توافق وجود داشته باشد.زیرا در صورتی که این وحدت وجود نداشته باشد میان مردم کشور اختلافاتی وجود خواهد کرد که بر پایه دین ومذهب وقومیت وشکاف‌های اجتماعی گاه متراکمی ایجاد خواهد نمود که جز بیچارگی وجنگ واختلاف برای مردم چیز دیگری در پی نخواهد داشت.

پیدایش ایدئولوژی‌های جدید مانند «ملی‌گرایی قومی» « لیبرالیسم»، «انارشیسم»، جنگ‌های طبقاتی وایدئولوژی مارکسیستی، و هر گونه اندیشه دیگری مانند اختلاف ایدئولوژیک ناشی از مذهبی مانند وهابیت که اساس را بر اختلاف ودشمنی با مذاهب دیگر اسلامی گذاشته، همه بدون یک ناسیونالیسم قوی ونیرومند که ریشه در عقل داشته وبه اندازه کافی دارای پشتوانه احساسات نیرومندی نیز باشد، امکان اتحاد میان اقوام ومذاهب وادیانی که کشور را تشکیل می‌دهند اگر موجود باشد از بین خواهد برد.

مردم‌سالاری

وحدت ملی چگونه حفظ می‌شود؟

انسجام ملی و مذهبی، مولفه اقتدار داخلی

جهانگیر محمودی نژادبان



وحدل مشکلات وتقویت و ساماندهی دولت مدرن ایرانی به وجود آورد . با وجود این ناسیونالیسم در میان همه ملت ودر میان همه احزاب وگروه‌ها ونخبگان کشور آزادی‌های سیاسی در میان افراد و گروه‌ها حتی غیر اسلامی خبسی برای کشور ندارد. زیرا احزاب وگروه‌ها وافراد مسلمان وغیر مسلمان فراتر از اعتقادات خویش همگی به ناسیونالیسم دینی (که در اینجا جلوه‌ای مادی ونماد وجلوه ای از دولت مدرن دارد) پایبند ومتعهد هستند. زیرا ناسیونالیسم دینی در قالب دولت مدرن به این معنا نیست که همه باید مسلمان ومتعهد به ارزش‌های اسلامی باشند بلکه به عنوان ضرورتی مادی ومدرن (از طریق تعهد و وفاداری به ناسیونالیسم امام حسین) به آن پایبند هستند. چرا که هیچ کشوری بدون دولت مدرن ودیون ناسیونالیسم امکان سازه‌ماندهی ندارد وپا بررسی‌هایی که در این مقاله خواهیم داشت خواهیم دانست که تنها راه برای ایران، ناسیونالیسم دینی (البته از نوع امام حسین) است لذا هر گونه ناسیونالیسم دیگری غیر از ناسیونالیسم دینی قابل اجرا نبوده و ما را به نیازه‌های مادی یک سازمان مدرن بر پایه دولت مدرن نمی‌رساند. پس از اثبات این معنا نتیجه خواهیم گرفت تنها حکومتی که می‌تواند ناسیونالیسم دینی را حفظ کند فقط حکومت اسلامی (با محوریت ناسیونالیسم امام حسین) است، زیرا هر حکومت دیگری غیر از حکومت اسلامی تعهدی به ناسیونالیسم دینی ندارد و در نتیجه این خطر باقی خواهد بود که ناسیونالیسم دینی از بین برود و کشور به همین سبب گرایش به دیکتاتوری و انارشیسم و تجزیه نماید. لذا تنها راه برقراری حکومت اسلامی خواهد بود. نکته دیگری که از نتایج این بحث است اینکه برای اثبات حکومت دینی در عصر غیبت نیازی به استنادات کلامی وفقهی نداریم که در نتیجه بگوئیم فلان فقیه موافق حکومت اسلامی در عصر غیبت است یا بهمان فقیه مخالف آنست. زیرا براین پایه ریشه آن شرایط خاص مادی و نیازهای دولت مدرن و ناسیونالیسم است که ما را به ضرورت حکومت اسلامی نائل کرده است. زیرا ناسیونالیسم از ضرورت‌های زندگی در این دوره وزمانه است و هیچ جامعه وملتی بدون ناسیونالیسم نمی‌تواند کشور را اداره کرده لذا چون وفق بررسی‌ها به ناسیونالیسم دینی می‌رسیم چه بتوانیم بر پایه فقه وکلام در عصر غیبت حکومت اسلامی را ضروری اثبات کنیم (که البته آن بسیار است) و چه نتوانیم، در هر حال بر پایه ضرورت‌های ناشی از ناسیونالیسم دولت مدرن اثبات آن روشن است. بر این پایه هیچ فقهیتی نمی‌تواند به استناد اجتهاد خود به مخالفت و مقابله با آن بپردازد. همچنین هیچ جریان مذهبی یا دینی چون اهل تسنن یا زرتشتی یا مسیحی یا یهودی وصابئی نمی‌تواند به علت نوع مذهب یا دین خویش یا آن مخالفت کند. یا لیبرال‌ها و مارکسیست‌ها نیز نمی‌توانند با آن مخالفت کرده وخوهران تغییر نظام باشند، چرا که این ناسیونالیسم از ضرورت‌ها ونیازهای جامعه ای ایران نشأت می‌گیرد. از این رو مخالفت با حکومت اسلامی به معنای مخالفت با ایران ومردم ایران ومصالح ومنافع ایرانیان است. روشن است که این شکل از مخالفت به معنای خیانت ودشمنی با ایران وایرانی است و اینکه چه تعداد پیرو این گروه از خائنان باشند مهم نیست. زیرا خیانت به کشور به تعداد پیروان وابسته نیست زیرا خیانت، خیانت است گرچه میلیون‌ها نفر پیرو آن باشند. همچنین این دسته از مخالفت‌ها در قالب جرم سیاسی دسته بندی نمی‌شود بلکه جرمی ضد امنیتی است و باید به عنوان جرم امنیتی تلقی شوند. نکته آخر اینکه گرچه احکام دینی وشریقی نقش بسیار مهمی در اداره کشور دارند اما عمده قوانین، سیاست‌ها ومدیریت‌ها در قالب داخلی وین المللی باید از ناسیونالیسم دینی و ضرورت‌های آن اتخاذ و تدوین شوند که در اصطلاح به آن «صلحت نظام» گفته می‌شود

جامعه‌شناسی عواطف واحساسات در اینجا برای بررسی ودرک بهتر از زمین سیاسی کشور به بررسی عواطف واحساسات گروهی زیر عنوان جامعه‌شناسی عواطف واحساسات پرداخته تا بدین وسیله درک درستی از نقش عواطف و احساسات در تحولات سیاسی کشور به ویژه نقش عواطف واحساسات قومیتی در ایران داشته باشیم. درک درست این عواطف واحساسات به ما توانایی شناخت زمین سیاسی کشور و در نتیجه شناخت صحیحی از ساختمان سیاسی متناسب با زمین سیاسی ایران پیدا کرده و آن را بسازیم. به عبارت

شرایط جغرافیایی ساخته شود. باید شرایطی مانند جغرافیای سیاسی و ابعاد دیگر کشور واروشن شود و بر اساس آن ساختمان سیاسی کشور(یعنی نوع حکومت ونوع ناسیونالیسم آن) ساخته شود و باید دقیقا بر پایه شرایط خاص جغرافیای سیاسی ساختمان سیاسی که به آن نظام سیاسی می‌گوئیم به وجود آید و گرته ماندن ساختمان متروپل آبدان فرو می‌ریزد. زیرا آن ساختمان بر پایه ی اصول لازم مهندسی متناسب با شرایط شهر آبدان ساخته نشد لذا فرو ریخت و خسارت‌ها وتلفات بسیاری بر جای گذاشت.نظام سیاسی کشور نیز اگر بر پایه (ابعاد ثابت ولایتیغیر) جغرافیای سیاسی کشور ساخته نشود، بی گمان نتیجه آن چیزی جز واژگونی وسقوط و تلفات و خسارات نخواهد بود. دقت در این امر بسیار مهم است. البته ما ایرانی‌ها مشکل آزادی‌گویی داریم که حتی در ساختمان ساختمان‌ها (اگر فشار شهرداری در کار نباشد) به زمین لوازم و جوانب و ابعادی که در باره زمین است توجهی نمی‌کنیم . ممکن است که ساختن یک خانه یا یک مدرسه بر روی زمینی که سست است یا قورا به آب می‌رسد، بسازیم، بدون اینکه فوندانسیون مناسبی برای آن ساخته باشیم یعنی در مسائل مادی و فیزیکی که چشم ما می‌بندد پی توجه و در اصطلاح بی خیال هستیم چه برسد به اینکه بخواهیم زمین و زمینه‌های سیاسی جغرافیای کشور وابعاد وشکاف‌ها و خطرات و فایده‌ها وروش ساختن نظام سیاسی بر زمین سیاسی کشور را با دقت مورد بررسی قرار دهیم. یعنی مانند شناخت ساختمان‌ها، شکل و فرم ساختمان و نقش و نگار دیوارها و سقف ونوع موزانیک روی زمین و سپس فرش و مبلمان به خوبی دقت می‌کنیم اما اینکه زیر این زمین چه می‌گذرد و به تحولاتی که در زیر این زمین می‌گذرد هیچ توجهی نداریم. لذا درباره جغرافیای سیاسی کشور نیز نمی‌اندیشیم که در پس پرده ظاهر زمین سیاسی ثابت و دائم کشور چه می‌گذرد و باید چه نظامی به عنوان ساختمان سیاسی کشور ساخته شود که نتیجه آن واژگونی ساختمان بر سر مردم وتلفات و خسارت‌های بزرگ و کوچک نباشد.

طریقه شناخت

و بررسی زمین سیاسی کشور

باتوجه به اینکه جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک داخلی وین المللی پیوسته در حال تغییر وتحول است اما این تغییرات وتحولات یک زیر بنا ویک الگوی کلی دارد که در چارچوب آن تغییرات وتحولات رخ می‌دهد. نگارنده نام این زیر بنا والگوی کلی را جنبه‌های ثابت ودائم جغرافیای سیاسی وژئوپولیتیک ایران می‌نامد. آنچه که مورد بررسی نگارنده در این مقاله است ابعاد دائم وثابت جغرافیای سیاسی داخلی کشور بوده و بیش از همه نقش عواطف قومیتی در کشور چند قومیتی ایران که تاثیرات سیاسی ویژه ای بر شرایط جغرافیای سیاسی کشور دارد مورد نظر است. لذا در اینجا نخست به بررسی مطالعاتی که زیر عنوان جامعه‌شناسی عواطف واحساسات مطرح است، مبادرت نموده و در پی آن نقش عواطف واحساسات قومیتی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.ودرنهایت نشان خواهیم داد که در فضای لیبرالیستی فاقد ملی‌گرایی نیرومند، چگونه کشور دچار چالش‌ها و فطنیا‌ها خطرناک واگرایانه با سوبه‌های تجزیه طلبانه خواهد شد و از سوی دیگری بی‌غیرتی ملی‌ورحیه انارشیستی را دامن خواهد زد. در زمینه ناسیونالیسم نیز نشان خواهیم داد که از میان انواع ناسیونالیسم‌ها بهترین نوع از آن‌ها، ناسیونالیسم دینی است و اثبات خواهیم کرد که ناسیونالیسم مدنی علیرغم مفید بودن ضعف‌هایی دارد که نمی‌تواند ملت را دریک چارچوب قوی ونیرومندی حفظ کند. ناسیونالیسم آریایی تبار ومتراکم است. بنابراین راه حل کشور گسترش ناسیونالیسم دینی است که با توجه به عشقی که همه قومیت‌ها وادیان ومذاهب ایرانی به امام حسین(ع) دارند می‌توان این عشق را محور وحدت همه قومیت‌ها وادیان کشور قرار داد وسیاست‌ها را بر پایه این عشق سازماندهی کرد. زیرا این موهبت الهی می‌تواند که محور همه بنا اتی قرار گیرد. از این رو همه ملت و همه نخبگان کشور باید بدانند اگر خوهران پیشرفت وتوسعه همه جانبه در کشور هستند، حتی بر پایه نگرش مادی ودنیوی این روش تنها روشی است که می‌تواند ما را به یک سازمان مفید برساند و وحدت لازم را برای پیشبرد اهداف